

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سه کتیر طلایی

برای رسیدن به آرزوها

و

برمودای موفقیت

www.Ahanrobayezehn.com



www.Ahanro

تهیه کننده و نویسنده :

علیرضا علی زاده

مدیر سایت : سایت آهن ربای ذهن

<http://www.ahanrobayezehn.com>

دوست من ارزش این فایل متنی که در اختیارت قرار داده شده بسیار زیاد هست و نخواستم برایش قیمت بگذارم ولی هر چیز گرانبهایی، قیمتی گرانبها داره و تو دوست خوب من فقط با خواندن این کتاب و آشنایی و آگاه شدن به اون چیزی که مد نظر من هست، مبلغ اون رو پرداخت کرده ای. چرا که تو ارزشمندی و همین تو هستی که از میان جمعیت کشور عزیزم ایران داری این کتاب رو میخونی و باعث افتخار من هست.

دوست من با خواندن این فایل متنی، با آگاهی هدفمند، در مورد سه کلید خوشبختی و رسیدن به خواسته ها و آرزوها، به سمت اونها گام برمیداری.

با سیستم و تکنیک برمودای موفقیت آشنا میشی.

داستان من رو می خونی که ممکنه داستان خیلی از افراد در جامعه ما باشه.

و در مورد نحوه آشنایی با این سیستم و تحولی که ایجاد میکند و مثل برمودا به سمت رسیدن به اهداف میکشونه ، و شاید در آینده ای نزدیک با برمودای موفقیت ، این تو باشی که داستان موفقیت خودت رو می نویسی و با دیگران در همین سایت ، به اشتراک می گذاری.

و اینکه برمودای موفقیت چیه؟ و به اجزای تشکیل دهنده برمودای موفقیت و قدرتی که هر کدام از ابعاد و ضلعهای اون دارند ، پی می بری.

قدرت زمان و اهمیت از دست ندادن فرصتها ، به تو دوست من ، یادآوری میشه.

و از راز عمل کردن به آگاهیها و دانشی که داریم ، آگاه می شی.
اطلاعات ارزشمندی از شناخت خود و مواردی که میتونه برای زندگی بهتر به تو کمک کنه از جمله ، قانون بقا و آستانه تحمل رو متوجه میشی .

و چطور انگیزه قوی ، فوری و آنی پیدا کنی که به طرف زندگی موفق و دلخواهت حرکت کنی و شروع کنی.

و از راز این سوال آگاه میشی که، چطور میتونیم شادمانی درونی

خودمون رو ، همین حالا و فوری ، بیشتر کنیم ، بدون اینکه درآمدمون

بیشتر بشه! یا خونمون بزرگتر بشه! و یا ماشینمون شیکتر بشه و یا سلامتی

مون بهبود بیشتری پیدا کنه ؟

پس دوست من ، با من همراه باش، برای خواندن و بهره بردن از اونچه که گفته شده ،

www.AhanrobayeZehn.com



سه کلید طلایی برای دستیابی به آرزوهای مان:

"چه چیزی رو از دست داده‌ام؟ هر چه قدر سعی می‌کنم نمی‌تونم به اون برسم! ذکر می‌گم، نماز می‌خونم، هر روز مراقبه و تمرینات یوگا انجام می‌دم و به کلاس‌های عرفان می‌رم ولی متاسفانه هیچ بهبودی در وضعیت روحی خودم احساس نمی‌کنم..."

چرا عشق در درونم کمرنگ هست، ثروتی ندارم و از سلامتی کامل

برخوردار نیستم؟ چطور می‌تونم با روح گمشده خودم مرتبط بشم؟ آیا می‌تونم به آرزوهایم دست یابم؟"

این حرفها و سخنان ، تقریبا برای همه ما آشناست. اگر تو دوست خوب من هم با چنین پرسش‌هایی در ذهن خود روبه‌رو هستی، حتما این کتاب رو بخون و در زندگی خودت به کار ببر. برای رسیدن به خوشبختی و موفقیت باید به دنبال سه اصل مهم و ضروری بود. من این عناصر کلیدی رو ارکان مهم شخصیتی می‌نامم: "انگیزه، هدف و خود را دوست داشتن." بهره بدونی عناصری که باعث فعال شدن و حرکت نیروهای کائنات می‌شوند، ریشه در همین سه اصل دارند: "انگیزه، هدف و خود را دوست داشتن". بنابراین برای داشتن شخصیتی سالم و روحی آرام باید این اصول مهم در شخصیت پرورش پیدا کنه.

مطمئن باش، دوست من ، با داشتن چنین شخصیتی قدرت روحی تو به طور خودکار دو چندان میشه. وقتی یکی از این اصول سست و شکننده بشه کل شخصیت تو همانند ساختمانی خراب میشه و فرو میریزه. بنابراین نباید در این حالت انتظار پیشرفت، سلامتی، موفقیت، بهبود روابط و دستیابی به آرزوهای رو داشته باشی. بر عکس اگر این سه رکن اساسی

رو در شخصیت خودت جای بدی، اطمینان داشته باش به هر آن چه
 بخواهی دست می‌یابی!

انگیزه

وقتی می‌تونی ادعا کنی، قدرتمندی که هرچی در زندگی بخواهی به
 راحتی بهش دست پیدا کنی. تو خودت مسوول زندگیت هستی و
 صحنه‌های اون رو تنها خودت می‌سازی.

این خودت هستی که سرنوشت خودت رو رقم می‌زنی. برای این که این
 کار رو به خوبی انجام بدی نیاز به انرژی، قدرت و نیروی مضاعف
 داری. به عبارت دیگه برای رسیدن به قله‌های موفقیت نیاز به شارژ روحی
 داری تا در مقابل همه فشارها و مشکلات زندگی ت به خوبی بایستی و از
 میدان به در نری.

همه ما برای پیشبرد اهدافمون به یک منبع عظیم انرژی نیاز داریم.
 خوشبختانه این منبع در وجود خودمون هست. تنها باید اراده کنیم و اون
 رو فعال و زنده نگه داریم تا به راحتی ماموریتمون رو در زندگی به انجام
 برسونیم.

این شور و شوق درونی هست که روح ما رو پرواز می‌ده و ما رو به آرزوهایمون نزدیک می‌کنه و یا به عبارتی دیگه سوخت اصلی خواسته‌ها و رویاهای ما همون انگیزه درونی ماست. در این حالت هست که مردم به طور ناخودآگاه به طرفت جذب می‌شن تا تو راحت‌تر بتونی قصر رویاهات رو بسازی. در این صورت تشعشعات شادی و نشاط در درونت شعله‌ور می‌شن و انگیزه ات برای انجام کارهای موردنظر دو چندان میشه . بنابراین سایر انسان‌ها مانند یک آهن‌ربا جذب تو شده و تو رو حتی از لحاظ مالی حمایت می‌کنند. در این حالت روز به روز پیشرفت می‌کنی و دیگه در وجود خودت ترس و تردید احساس نمی‌کنی.

برای رسیدن به چنین نقطه‌ای بهتر هست بیشتر بر روی توانایی‌های خودت متمرکز بشی و به جای اون که به سراغ کارهایی بری که اصلا به انجام اونها علاقه‌ای نداری به دنبال اموری بری که انجام اون شور و شوق رو در درونت پدیدار می‌کنه.

بنابراین هرگز فراموش نکن، یکی از ارکان مهم رسیدن به موفقیت، داشتن انگیزه لازم برای انجام کار موردنظر هست.

هدف

وقتی خواست‌ها و آرزوهای شخصیت رو در ذهنت پرورش بدی، به طور ناخودآگاه انگیزت برای رسیدن به اونها دو چندان می‌شه. بنابراین همین شور و شوق درونیت باعث پیشرفت می‌شه.

برای این کار لازمه هدفت کاملا مشخص و شفاف باشه، یعنی باید کاملا بدونی چی می‌خوای. اگه واقعا خودت ندونی به چی دست پیدا می‌کنی و به کجا می‌خوای برسی، مطمئنا به بیراهه می‌ری و یا به عبارت دیگه اگه مسیر برات مشخص و روشن نباشه، به زودی دچار لغزش و خطا می‌شی و قادر به ادامه کار نیستی. بنابراین اگر هدف واضح و روشنی برای خودت نداشته باشی، نمی‌تونی به خوبی تصمیم‌گیری کنی.

تصمیم‌گیری غلط = نتیجه بد = نرسیدن به هدف.

وقتی می‌تونی ادعا کنی هدفت کاملا واضح و شفاف هست که هیچ‌گونه شک و ابهامی در ذهن نداشته باشی و دقیقا بدونی در زندگی به دنبال چی هستی.

البته بهتر هست بدونی، بهترین اهداف موقعی به ذهن ما خطور می‌کنند که افکارمون از مسایل و مشکلات اضافی پاک شده باشه. بنابراین ابتدا

فکر خودت رو پاک و خالص کن تا بتونی به ندای درونت گوش بدی و در نهایت بهتر تصمیم گیری کنی.

برای دستیابی به اهداف خودت روش های مختلفی وجود داره: بعضی افراد از طریق "دیدن" اعمال دیگران و تجربه اندوختن متوجه می شن، بهترین روش برای دستیابی به اهدافشون چیه. بعضی دیگه "حس" می کنند چه کاری درست و چه کاری غلط هست و در نهایت، گروه آخر افراد خوش شانسی هستند که به طور ناخودآگاه می دونند چه باید بکنند و در هر لحظه چه قدمی باید بردارند.

بنابراین هنگامی که هدف تو دوست خوبم، کاملاً واضح و روشن باشه، ذهنت آروم شده و به طور خودکار به دنبال پیدا کردن راه های مناسب برای دستیابی به هدفت می ره.

دوست من، هدف تو از زندگی چیه؟ به چی می خواهی دست پیدا کنی؟

معنی زندگی از دیدگاه تو چیه؟ چه کارهایی بهت کمک می کنه تا سریع تر به ذهنی آرام دست پیدا کنی؟

خود را دوست داشتن

یکی از ارکان مهم برای دستیابی به موفقیت و خوشبختی این هست که فرد خودش رو همونطور که هست بپذیره و دوست داشته باشه. حتما می پرسی چرا؟ دلیلش کاملا واضح هست. وقتی تو خودت رو دوست نداشته باشی و خودت رو لایق خوشبختی و شادی در زندگی ندونی، چطور انتظار رسیدن به پیشرفت و سعادت رو داری!

کی به این نتیجه رسیدی که لایق دوست داشتن نیستی و در زندگی هم قادر به پیشرفت نیستی؟

خیلی از افراد می گن: "پدر و مادرم مرتب مرا سرزنش می کردند و هر روز به من می گفتند تو به درد هیچ کاری نمی خوری و به هیچ کجا نمی رسی". هر چه پدر، مادر، خواهر، برادر و یا دوستاتون در مورد تو گفتند، تموم شده. دیگه به اونها توجه نکن. تنها به صحبت های درونی خودت گوش بسپار.

در مورد خودت چه فکری، می کنی و با خودت چی می گی؟ آیا فکر می کنی لایق زندگی خوب و موفق هستی؟ آیا با خودت به اندازه کافی مهربون هستی؟

طرز فکرت رو نسبت به خودت تغییر بده و با افرادی رفت و آمد کن که از اونها انرژی مثبت بگیری. از افرادی که منفی هستند، مرتب از زندگی گله و شکایت می کنند و به هر چیزی با شک و تردید نگاه می کنند، دوری کن.

آیا اکنون خودت رو همانطور که هستی می پذیری؟ آیا می تونی خودت رو دوست داشته باشی و برای خودت ارزشی قائل باشی؟

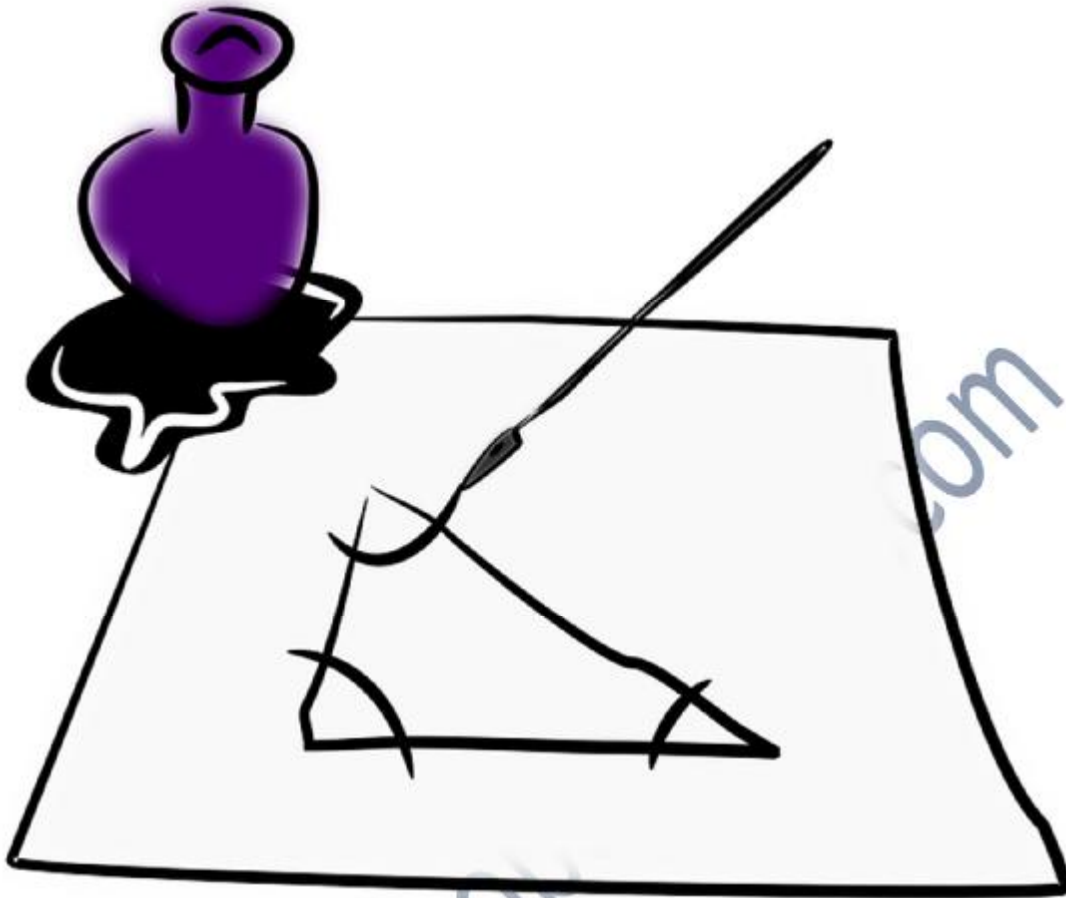
اگر پاسخ مثبت باشه ، مطمئن باش امروز تونستی ، بهترین هدیه رو به خودت بدی . بدون شک با این هدیه به قدرتی دست پیدا می کنی که می تونی به تمام خواسته هات در اندک زمانی برسی.

دوست من این سه کلید برای دست یافتن به رویاها و آرزوهایم بخشی از فرمول
و سیستم تضمینی و تست شده مثلی هستند که من به اون نام برمودای موفقیت
دادم .

بر رویاها و آرزوهای

موفقیت پیاده

برمودای موفقیت چیست؟



ابتدا برای تعریف این تکنیک و سیستم ارزشمند موفقیت و نحوه بدست آوردن اون ، لازم هست که داستان خودم رو بگم .



علیرضا علی زاده هستم. محقق رشد و بهبود شخصی . مثل بسیاری از افرادی که تو رشته مورد علاقتون تحصیل نکردن . من هم رشته حسابداری و مدیریت خوندم ولی سالها مطالعه موفقیت داشتم و تمام هدفم این بود که در زندگی روز بروز پیشرفت داشته باشم و کنترل زندگیم ، دست خودم باشه. افراد ممکنه تعاریف خاص خودشون رو از موفقیت داشته باشن و موفقیت از دیدگاه من یعنی اینکه بتونی نیازها و خواسته های معقولی که داری برآورده کنی ، رشد کنی و به تعالی برسی و مشکلات زندگی تونو خلی در اراده و خواست ایجاد کنه و سازگاری بیشتری با دیگران داشته باشی و روز بروز بهتر از دیروزت باشی و وقتی در انتهای هر سال به اونچه که گذشت نگاهی بندازی ، ببینی که واقعا از همه نظر چه اخلاقی و معنوی و چه مالی و چه ارتباطی بهتر از قبل شدی و یک

فرد موفق کسی هست که در زندگیش کنترل امورش ، دست خودش باشه
 و دیگران و محیط و شرایط اون شخص رو کنترل نکنن و البته ما از افراد موفق
 ، درس میگیریم و تحت تأثیرشون قرار میگیریم ولی اینکه کنترل زندگیمون رو
 دست کسی یا شرایط و.. بدیم برای انسانی که خداوند اون رو آزاد آفریده درست
 نیست .

بنابراین تفکر بدنبال بدست آوردن سیستم و فرمولی بودم که بشه با اون معمای
 رشد و بهبود شخصی رو حل کرد و من داستان افراد موفق رو مطالعه می کردم و
 سعی می کردم از زندگیشون درس بگیرم ولی لازمه بدست آوردن نتایجی که
 افراد موفق بدستشون آورده بودند یک سری خصلتها و عادات و طرز تفکر خاصی
 بود که اونها در درون من نبود . بعنوان مثال من در اوایل دوران بلوغم ، خیلی
 زودرنج بودم و با کمترین بی احترامی و یا اهانت از کوره در می رفتم و زود
 عصبانی میشدم و دیگه اینکه توجه به ظواهر امور داشتم و دید مستقیم وبدون در
 نظر گرفتن جوانب دیگه مسیر به اهدافم داشتم بعنوان مثال خواهان رسیدن به پول
 فراوان بودم ولی فقط منتظر بودم از یک طریقی بمن برسه ، گاهی با دعا و گاهی
 از طریق قرعه کشی و یا اینکه کسی بمن کمک کنه و اعتقاد داشتم حتما برای
 موفق شدن و پیشرفت باید تکیه گاه و حامی داشته باشم و یا اینکه عقیده داشتم
 که خدا نمی خواد و اگه اون بخواد من بهترین زندگی رو دارم و از جایی که نمی
 دونم برام روزی رو میرسونه، خصلتهایی که الان به اونها لبخند می زنم. راستش
 در کنار بعضی خصلتهایی که برای زندگی بهتر مضر هست ، انگیزه و اشتیاق

فراوانی برای بهتر شدن و بهتر زندگی کردن و موفق شدن داشتم و این انگیزه درونی که در برمودای موفقیت هم درباره اون صحبت شده ، همواره در من وجود داشت که تحت هر شرایطی ، رو به بهتر شدن داشته باشم . همان نیرویی که بعدها متوجه شدم علت اصلی روز بروز زندگی بهتر برای من بود تا اینکه بتونم رشد و بهبود شخصی برای رسیدن به خواسته ها و رویاها رو به صورت یک سیستم در بیارم. و در این مسیر بارها و بارها شکست خوردم ولی دست از تلاش برنداشتم.

سالهای سختی رو گذروندم. فشارهای مالی و اقتصادی مهمترین قسمت داستان من هست.

البته این میتونه شرایط خیلی از ما باشه . ولی دوست من اکثر مواقع ما تسلیم میشیم و در انتهای تلاشهامون برای رسیدن به خواسته هامون ، بی خیال همه چیز میشیم و به زندگی که برای ما تهیه شده، عادت میکنیم و اسیر محیط و شرایطمون میشیم و دیگه شاید میپذیریم که پس سرنوشت من همینه و دیگه همیشه کاریش کرد و دستامون رو به نشانه تسلیم بالا می بریم و یا همینطوری زمان و زندگی رو میگذرونیم ، ولی من تسلیم نشدم و همواره در تفکر رشد و زندگی بهتر بودم.

در حال حاضر 37 سال سن دارم ، سالهای زیادی دنبال دانش و اطلاعات برای موفقیت و بهبود شخصی بودم. در ابتدا با اشتیاق فراوان مطالعه می کردم و با

خوندن هر کتاب موفقیت ، به اصطلاح ، تو جلد نویسنده می رستم و با مطالب اون کتاب زندگی می کردم . بعد از یک مدتی متوجه میشدم همیشه به نتایجی که مد نظر اون مطالب بود برسم و دوباره به اول کار برمیگشتم و البته نمیگم مطالعه نقشی نداشت ولی راهکار اون چیزی نبود که باعث تحول واقعی در من بشه و پس از مدتی به شرایط اولم برمی گشتم.

تا اونجا که با کتابهای آنتونی رابینز آشنا شدم و مطالعه کتابهای اون تأثیراتش خیلی بیشتر بود

تا جایکه در کنکور سال 1377 موفق به کسب رتبه 784 شدم.

بله طعم موفقیت رو چشیدم و نتیجه گرفتم، ولی یک عامل بیرونی من رو باز از حرکت بازداشت و اون نقش وقایع و مسائلی هست که از اختیار ما خارجه و ما خودمون در اون دخالتی نداریم. (که در برمودای موفقیت درباره اون و آگاهیهای که برای اون مورد نیاز هست صحبت میشه)

ولی باز با اینکه تلاش های زیادی کردم تا بتونم بهترین رتبه و امتیاز رو بیارم. متاسفانه با وجود رتبه زیر هزار در آن سال بعلت اینکه ما نظام جدید آموزشی درس خونده بودیم و گروه دوم ثبت نامی در نظام جدید بودیم بسیاری از افراد که مثل من رتبه های بالایی آورده بودند موفق نشدند که حتی جایی قبول بشن و این براشون خیلی سخت بود و خودم که سازمان سنجش برای اعتراض رفته بودم حتی رتبه 54 از گروه تجربی قبول نشده بود. حالا این بحثها بماند کنار و این

نکته رو می خوام بگم که پس از اونهمه تلاش و آوردن اون رتبه که واقعا کار بزرگی در اون دوران که رقابت سختی جریان داشت ، بود.

من پیام نور شهر خودمون قبول شدم.

دوست من اینجا هست که واقعا فشار روانی زیادی به انسان وارد میشه !

با خودت میگی این همه تلاش و سختی و زحمت بکشی ولی نتیجه نگیری؟

دیگه باید چیکار میکردی؟

این شد که مدت زمان زیادی از وقت و عمرم به هدر رفت و دست از تلاش

کشیدم .

کمی بیخیال شدم و اونهمه اشتیاق و شور و شوق موفقیت و رسیدن به آرزوها و

خواسته هام ، خیلی خیلی کم شد.

ولی کم کم باز خودم رو پیدا کردم و اون هم همون انگیزه و اشتیاق درونی بود

که مثل نیرویی بزرگ منو به جلو میروند.

بنابراین، سعی کردم برنامه ریزی داشته باشم و بهترین راه ممکن رو در مسیر

زندگیم پیدا کنم.

مطالعه کتابهای موفقیت ادامه داشت ولی خیلی خیلی روند کندی داشت و همیشه گفت در زندگیم تأثیر گذار بود.

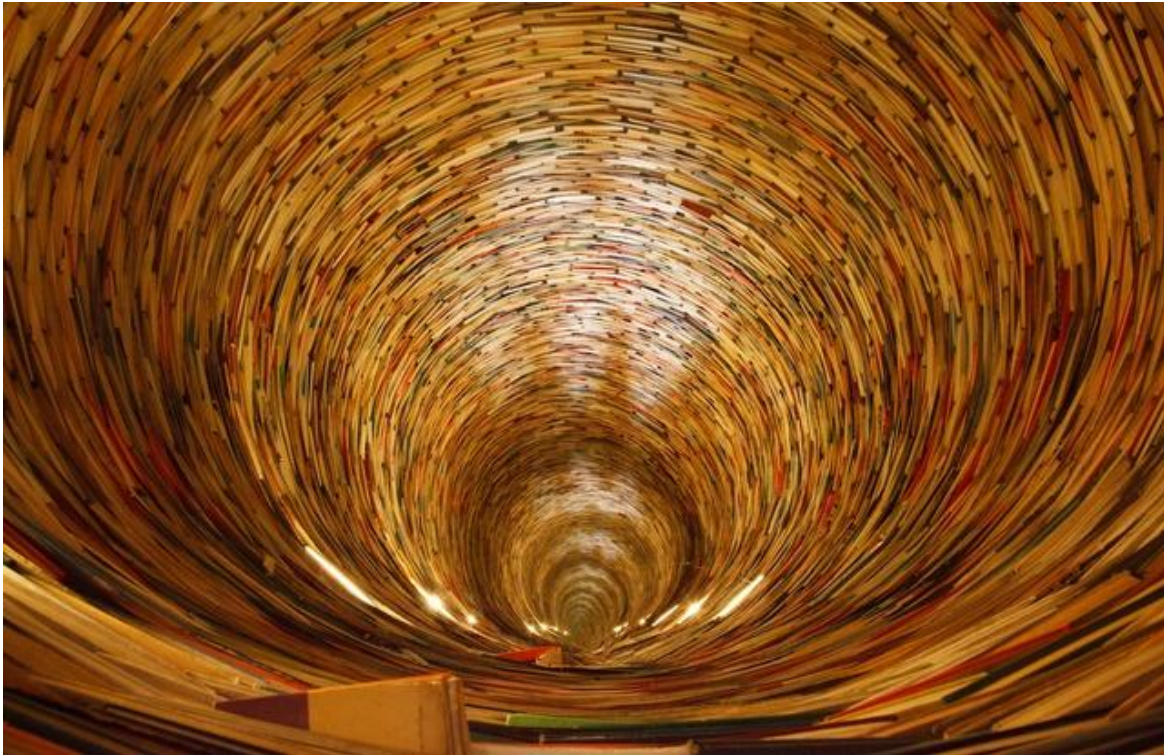
شدم یک فرد بسیار معمولی که در دلش آرزوهای بزرگی داشت و موفق نشد که کاری انجام بده و محدود به زندگی عادی شدم. کار حسابداری در یک شرکت خصوصی پیدا کردم و ازدواج کردم و سالهای زیادی رو به همین منوال گذروندم تا اینکه...

اون انگیزه درونی و شور و شوق و اشتیاق موفقیت کار خودش رو کرد و من با تکنیک های فوق العاده ای برای رسیدن به موفقیت آشنا شدم که موفقیت رو از درون برنامه ریزی می کرد.

دوست من ، وارد پر قدرت ترین و مهمترین بخش زندگیم شدم!!

انگیزه درونی و اشتیاق به بهتر زندگی کردن و بدنبال آگاهی و دانش بودن ، بود که منو وارد این مسیر جدید کرد.

تغییر چیزی بود که از خیلی سالها پیش دنبالش بودم و میتونم بگم که عاشق تغییر به سوی بهترین چیزها هستم و از جمله افرادی هستم که این تفکر رو دارم، اگه راه بهتری وجود داره ، امتحانش کن، چرا که احتمال زیادی وجود داره اون همون راهی باشه که تو رو به هدفت میرسونه و از هر دانش و آگاهی بهره ببر.



و دانش و آگاهی هست که منشأ تحولات بزرگی همیشه.

جان نباشد جز خبر در آزمون

هر که را افزون خبر جانش فزون

جان ما از جان حیوان بیشتر

از چه زان رو که فزون دارد خبر

در این شعر مولوی بسیار زیبا نقش آگاهی و دانش را در دلیل برتری جان ما میدونه و برتری جان ما با دانش و آگاهی، هست که مقام ما رو میتونه همیشه بالاتر از قبل ببره و انتهایی نداره .

من در زندگیم ، از قدرت اراده استفاده کرده بودم. با اینکه اراده ای بسیار قوی داشتم و دارم ولی باز مغلوب میشدم و پس از گذشت مدت زمانی شور و حرارت اولیه ای که در وجودم بود ، فروکش می کرد.

خلاصه اینکه روشهای مختلفی رو آزمودم و همه اونها مربوط به ذهن خودآگاه و بیرونی من بود.

و من میبایستی درونم رو تغییر میدادم و تکنیک های تغییر ذهن از درون اینگونه بمن کمک کردند.

بر آن شدم تا تجربیات خودم و تکنیکهای فوق العاده ای که یاد گرفتم رو با تو دوست خوبم در میون بزارم . تا تو دوست خوب من که مطمئن هستم حالا که داری این سطور رو می خونی اتفاقی نیست که اینجایی و حتما در درونت نیروی بالقوه ای برای رسیدن به خواسته هات وجود داره مثل من سالها از موفقیت و رمز مهم تغییر به سوی زندگی بهتر معطل نشی و از این تکنیک استفاده کنی .

هدف و رسالت من اینه که این روش و تکنیک رو که برمودای موفقیت نام گذاشتم (همانند برمودا تو رو به سمت موفقیت می کشونه) بتو یاد بدم تا ازون برای زندگی بهتر استفاده کنی . با این روش از درون برنامه ریزی میشی برای اون هدف و خواسته ای که داری و وقتی که اونو تجربه کنی تو هم مثل من این روش رو دوست خواهی داشت و در

ترویجش برای عزیزان و دوستانت درنگ نمی کنی.

دیگه سختی ها و ناملایمات تو رو از گود بیرون نمیندازن و دست از تلاش برنمیداری

دیگه حرفای منفی دیگران تو رو متوقف نمی کنه . دیگه شرایط محیط زندگیت تاثیرش خیلی کم رنگ میشه و تو سکان دار زندگیت میشی.

پس اولین قدم برای تجربه این احساس خوب و این شرایط قدرتمند روحی و ذهنی ،تصمیم توئه.

باید تصمیم رو بگیری و فقط به دوره زمانی خاص و کوتاهی رو سرمایه گذاری کنی برای خودت و زندگی و آیندت.

اینجا به مطلب مهم می خوام بگم واینه که هیچ کس تو دنیا نمی تونه موفقیت رو به تو دوست خوبم هدیه بده .مگر خودت .توبا تصمیم خودت برای استفاده از راه بهتر ، اولین

گام رو برمیداری.



در روانشناسی سه عامل مهم در شکل گیری شخصیت افراد نقش ایفا می کنند

1- وراثت

2- محیط

3- خود

و محققان تأکید دارند مهمترین و موثرترین عامل نقش خود هست. یعنی یک نفر می تونه از بدترین محیط ها و شرایط بد وراثتی از موفقترین و بهترین افراد جامعه باشه. اینا رو گفتم تا تو دوست خوبم بدونی مهمترین قسمت موفقیت در درون خودت هست . و بعد از اینکه این مورد برات باور شد حالا باید روشهای افراد موفق رو بدونی و اینجاست که سیستم برمودای موفقیت شروع میشه.

روش افراد موفق ، روشی جامع هست که جوانب مختلف زندگیشون رو در بر میگیره .

اولین گام تو دوست خوبم ، ایجاد تغییر با سیستم تست شده و تضمینی و فوق العاده ساده ولی موثر و کارآمد ، برمودای موفقیت هست . تو با استفاده از این تکنیکها درون و ضمیر ناخودآگاهت رو برای موفقیت و رسیدن به خواسته هات برنامه ریزی می کنی و همانند برمودا که همه چیز رو به طرز عجیبی به سمت خودش میکشه ، با بکارگیری اونها به سمت موفقیت کشیده خواهی شد.

برمودای موفقیت چیست ؟



پس از مطالعه کتابهای مختلف موفقیت و نحوه تفکر و زندگی افراد موفق و تجربه چندین ساله خودم ، بدنبال قویترین و مهمترین عوامل تأثیرگذار در پیشرفت و زندگی بهتر، به سه ضلع و بعد و مهارت ، رسیدم که با ادغام اونها میشه یک سیستمی رو بوجود آورد تا هر کس با قرار دادن خواسته و آرزو و رویای خودش (البته اگه منطقی و قابل برآورده شدن باشه) اعم از خصوصیات شخصیتی و اجتماعی و همچنین رسیدن به ثروت و هر خواسته ای که داره ، بتونه به اونها برسه .

دوست من شاید فکر کنی دارم اغراق میکنم ولی این واقعیت داره و با رعایت این سه ضلع برمودای موفقیت ، همه اینها تحقق پیدا میکنه و درباره رویا و خیالپردازی صحبت نمیکنم. برمودای موفقیت مثل همه معماهای زندگی که در ابتدا خیلی سخت به نظر میرسه ، پس از حل شدن ، بسیار آسون میشه و تو دوست خوب من متوجه میشی که به وسیله آگاهی از اون و عمل به دستورات بسیار ساده ولی تأثیر گذاری که داره به راحتی میتونی بر مشکلات و عقب موندگیها غلبه کنی و شروع زندگی موفق و روزهای بهتری رو برای خودت رگم بزنی.

دوست من ، یک نکته بسیار مهم رو درباره زمان و فرصتی که در اختیار ما هست و ارزش اون ، می خوام بگم :



دوست من زمان برای ما توقف نمیکنه و ما میتونیم از اون نهایت استفاده رو کرده و گذشت اون رو به نفع خودمون رغم بزنیم .

مولا علی (ع) در مورد زمان و گذر فرصتها فرمودند:

فرصتها همانند ابر در گذر هستند.



ما دو روش و راه رو میتونیم انتخاب کنیم:

میتونیم تصمیم بگیریم با سریعترین و قدرتمندترین روشها خیلی زودتر به مقصد و هدفمون برسیم و دیگه اینکه میتونیم گذر زمان رو ببینیم و فقط نظاره گر باشیم.

میتونیم با خودمون صادق باشیم و برای اینکه موفق تر بشیم انکار رو کنار بگذاریم و با مشکلات و عواملی که ما رو از زندگی بهتر دور میکنه ، روبرو بشیم و یا میتونیم از نشانه های خطر در زندگیمون براحتی بگذریم تا مشکلات کم کم بزرگ بشوند و یک قسمت بزرگی از زندگیمون رو درگیر کنند.

دوست من راجع به این موضوع فکر کردی؟

یک سری از عوامل هشدار هستند که اگه زود اونا رو حل نکنیم واز اون براحتی یا با انکار گذر کنیم ، این فقط خودمون هستیم که خودمون رو گول زدیم ولی اون مشکل وجود خواهد داشت و ما رو درگیر خودش میکنه.

دوست من آیا در شرکتی که کار میکنی ، علائم هشدار به تو این رو میگو که به زودی اون شرکت ورشکست میشه؟

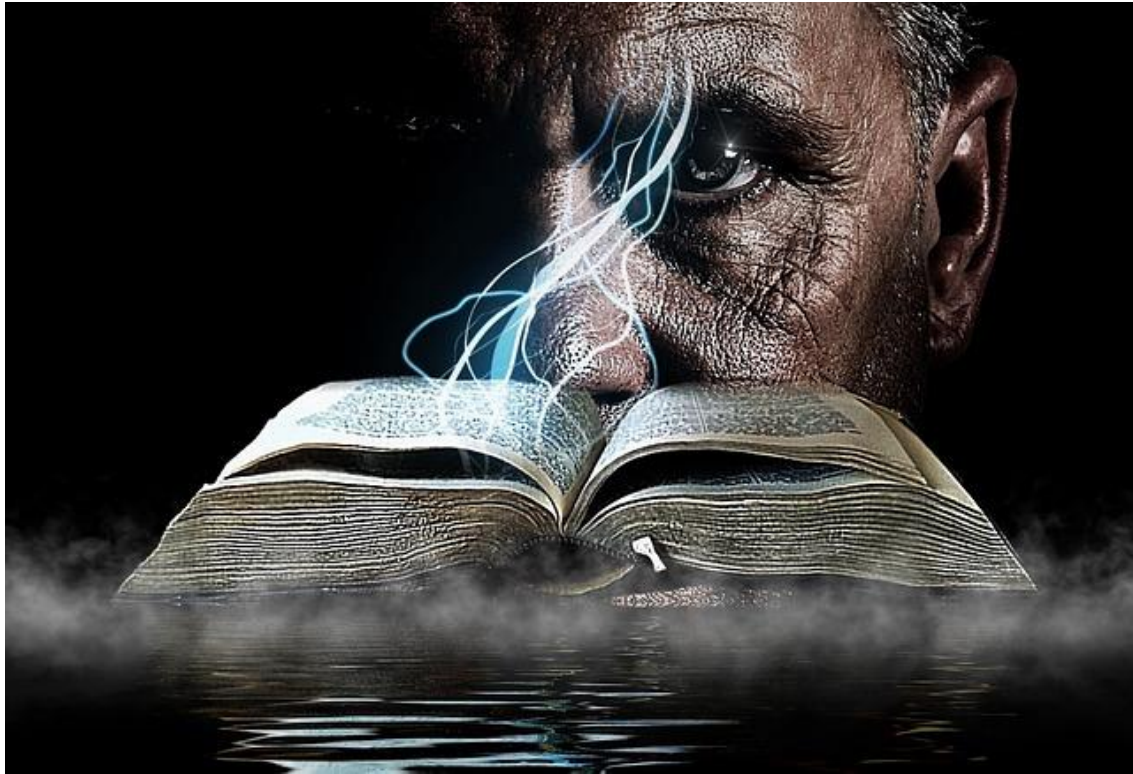
آیا ، آمار فروشت پایین اومده ؟ آیا در محیط کارت جو بدی درباره تو بوجود اومده ؟

آیا ، اضافه وزن پیدا کردی و سلامتی و وضعیت جسمی خودت رو نادیده می گیری؟

آیا از اعتراضات و اختلاف جزیی خودت با همسرت ، براحتی میگذری؟

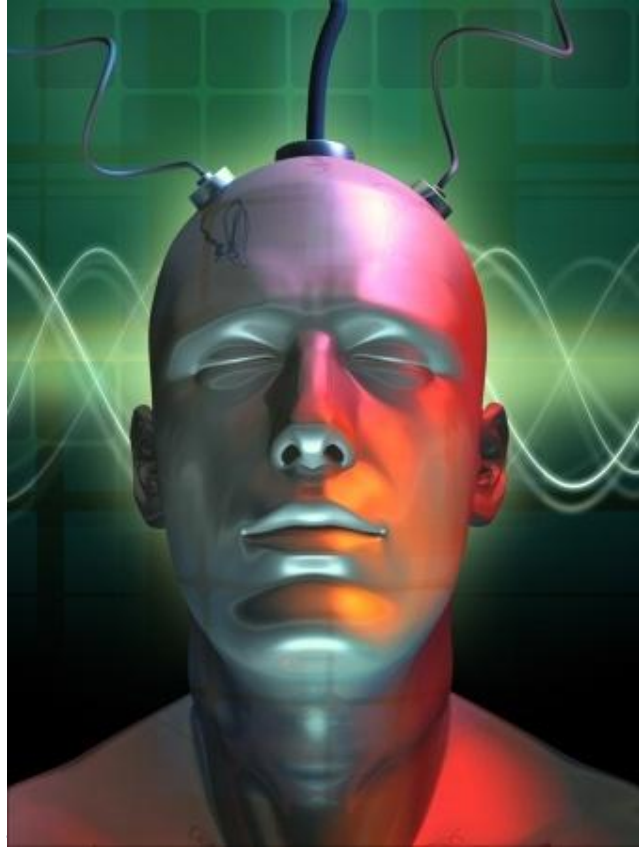
دوست من افراد موفق و هر کسی که بدنبال زندگی بهتری هست ، انکار کردن رو کنار میگذاره و با مشکلات در زندگیش روبرو میشه و در زندگی باید از فرصتها وزمانمون بهترین استفاده رو بکنیم و هر چه زودتر با مشکلاتمون با توجه به علائم خطری که بما نشون داده میشه ، روبرو بشیم. و با برمودای موفقیت ، میشه بسیار راحت و سریع در

مسیر زندگی بهتر قرار بگیریم و در مورد مشکلاتی که در آینده میتونن ما رو درگیر کنن، بخاطر فرار از ناراحتی و یا ترس از برخورد با اون مشکلات ، راه انکار رو در پیش نگیریم.



اولین ضلع این مثلث قدرتمند چیست؟

www.Ahami



خود درونی

خود شامل انگیزه درونی و قبول مسوولیت هست.

انگیزه ، قانون اول موفقیت هست. عشق داشتن به کاری که انجام میدیم، به حرفی که می زنیم. و انسانی که عاشق باشه ، موفق هم هست و میتونه بدنبال اون چیزی که دنبالش هست بره و بدستش بیاره.

تمام افراد موفق رو که ببینید، متوجه میشید که خوشبختی اونها پول نیست، ماشین و خانه و کارخانه و... نیست. بلکه عشق اونها به هدفی هست که دارند.

اونها بدنبال عشق و علاقه خودشون میرن و بنابراین پیروز و موفق میشوند.

انگیزه که همون عشق درونی به بهتر شدن و پیشرفت کردن هست، باعث انتظار موفقیت میشه و با خودش اعتماد بنفس رو بهمراه داره. انتظار اینکه وقتی خواسته ای داریم، دنبالش بریم و بگیم من می خوام به این چیز برسیم و می خوام این چیز بوقوع پیونده و این اعتماد بنفس هست.

ماتسوشیتا بنیانگذار شرکت معظم پاناسونیک در کتابش بنام، نه برای لقمه ای نان، میگه: همه بمن می گفتند تو در کار الکترونیک موفق نمیشی ولی من می گفتم، موفق میشم. یعنی اعتماد بنفس داشت و شرکتی که تأسیس کرد از پیشروان صنعت الکترونیک در جهان شد.

و این نشون از انگیزه قوی و درونی او برای موفقیت داشت.

و داستانی دیگه راجع به نقش انگیزه درونی در موفقیت از سقراط نقل می کنند:

مرد جوانی از سقراط پرسید راز موفقیت چیست؟

سقراط به او گفت: فردا کنار رودخانه بیا تا راز آن را برایت بگویم.

صبح فردا مرد جوان مشتاقانه به کنار رود رفت و سقراط از او خواست تا درون رودخانه او را همراهی کنه.

جوان با او براه افتاد و وقتی به لبه رود رسیدند، به آب زدند و آنقدر رفتند تا آب به زیر چانه آنها رسید.

ناگهان سقراط مرد جوان را گرفت و زیر آب فرو برد.

جوان نومیدانه تلاش کرد، خودش را رها کند، اما سقراط خیلی قوی بود و او را نگه داشت. مرد جوان آنقدر زیر آب ماند تا رنگش کبود شد. و بالاخره توانست خودش را خلاص کند.

همین که به روی آب اومد، اول کاری که کرد، نفس عمیق می کشید و هوا را به ریه می فرستاد.

سقراط ازش پرسید: زیر آب که بودی، تنها چیزی که می خواستی چی بود؟

مرد جوان گفت: هوا

سقراط گفت: هر زمان که بهمین میزان که به هوا در آن لحظات، اشتیاق داشتی، موفقیت را مشتاق بودی، تلاش می کنی و آن را بدست می آوری و راز دیگری نداره.

دوست خوب من موفقیت و پیشرفت خواست عمیق و درونی می خواد واگه خودمون رو لایق بهترینها بدونیم باید بهترین تلاش رو داشته باشیم.

انگیزه درونی با خودش تمرکز بهمراه داره که از عوامل موفقیت هست. تمرکز یعنی تمام توجه و زندگی تو باید هدفت باشه و خواسته ای که داری.

آنتونی رابینز گفته، موقعی که فردی چاق و بیکار و بی پول بودم دیگه از این وضع خسته شده بودم و تمرکز کردم به اینکه باید موفق بشم و تمام زندگی قبلی خودم رو کنار گذاشتم و شروع کردم به سخنرانی برای دو تا از دوستان و برایشون از موفقیت و عشق و اعتماد بنفس صحبت کردم و اونقدر از انگیزه و انرژی زیادی برخوردار بودم که اونها رو تحت تأثیر قرار دادم و اون دونفر از دوستانش، چند نفر دیگه رو آوردند و همینطور به

تعداد افراد اضافه میشد تا اینکه تعدا اونها به صدها نفر رسید و پلیس گفت دیگه باید برای سخنرانی ، سالن بگیری.

وآنتونی رابینز در کتاب موفقیت خودش معتقد هست که اگه انسان روی نقاط قوت خودش تمرکز کنه (یعنی انگیزه ای رو که در وجودش داره، قوی کنه) بزرگترین ثروت و جایگاه رو بدست میاره.

دوست من می خوام همین جا یه قولی بمن بدی واینه که واقعا و از اعماق وجودت خواستار بهتر شدن وزندگی بهتر برای خودت باشی. من این رو صمیمانه و دوستانه ازت می خوام و این رو بدون ، هیچ فرمول و قدرت جادویی وقتی خودت نخوای که کاری انجام بشه ، نمی تونه تو رو مجبور به حرکت کنه و مطمئنا نتیجه لازم رو هم نمی گیری. این اشتیاق باید طوری باشه که تو رو به حرکت وادار کنه و در این صورت هست که من بهت قول می دم با وجود این اشتیاق شدید به نتیجه می رسی و مطمئن باش می تونم بهت کمک کنم .

و فقط این موضوع رو باید بگم که فردی که انگیزه ای برای موفق شدن و رسیدن به اهداف نداره،اصولا هیچ تلاشی برای موفق شدن نمیکنه و فقط اسیر رویاها باقی می مونه و مدام خودش و دنیا رو سرزنش میکنه و باید در ابتدای امر یک اشتیاق عالی برای زندگی بهتر وجود داشته باشه و در اینجا می رسیم به خصلت قبول مسوولیت که من اون رو بهمراه انگیزه یکی از پایه های برمودای موفقیت نامیدم.

قبول مسوولیت یعنی اینکه اون قسمت از زندگی که در دست خودمون هست رو در نتیجه اعمال و رفتار و اقدامات خودمون ببینیم و محیط و شرایط و افرادی که در کنارمان هستند رو مسبب اونها ندونیم.

من بارها در مورد حوادث و وقایعی که در زندگیمون اتفاق میافته تفکر کردم و نتیجه ای که رسیدم این بود 80 تا 90 درصد کل زندگی ما توسط اعمال و رفتار خودمون اتفاق میافته و تنها 10 تا 20 درصد وقایع هستند که از عهده ما خارج هستند و ما نقشی در ایجاد اونها نداریم. و مهم اینه که تصمیم بگیریم مسوولیتی در قبال شرایط خودمون داشته باشیم و در اینصورتیه که اقدامی برای تغییر شرایط انجام بدیم. و در اینصورتیه که قبول کردن مسوولیت، بمعنی قبول کردن سرزنش نیست و ما مسوول مستی که به سمت ما پرتاب میشه نیستیم اما اینکه چطور از خودمون دفاع می کنیم به ما مربوطه.

نمونه این موضوع برای خود من در مورد آزمون کنکور سال 1377 که سالهای اوج رقابت کنکور بود پیش آمده بود. در امتحان آن سال من تمام تلاش خودم رو کرده بودم و همه عواملی رو که باعث موفقیت میشه تا 90 درصد رعایت کرده بودم و نتیجه هم گرفتم و رتبه خوبی آوردم ولی حالا هرچی که اسمش رو مردم میدارند در دانشگاه مورد علاقم قبول نشدم که هیچ خیلی نتیجه پایین تر از اون چیزی شد که مورد انتظار من بود. از نظر قوانین موفقیت گفته میشه در این موارد که خودمان نقشی در نتیجه یا اتفاقی نداشتیم، مهم تمام تلاشی هست که بکار بردیم و آرامشی هست که در وجودمون بابت اون تلاش وجود داره. خیلی از افرادی که دچار چنین موارد خارج از اختیار خودشون میشن، مسوولیت پذیری رو با سرزنش خودشون اشتباه میگیرن. هر رویدادی جدا از اختیارمون

میتونه فرصتی باشه برای دگرگونی در زندگیمون. مثلا افرادی که حادثه ای براشون اتفاق میافته در خیلی از موارد بعدا متوجه میشن درسته در اون زمان خیلی براشون سخت و طاقت فرسا بوده ولی با گذشت زمان متوجه میشن حتی منفعت هایی براشون داشته!

یک مثال دیگه در این مورد میتونم براتون بزنم که طی تحقیقی که از 300 نفر افراد موفق در آمریکا انجام شد بغیر از یک مورد بقیه اونها ، اذعان کردند که از یک مشکل بسیار بزرگی که براشون پیش اومد مثل ورشکست شدن شرکتی که در اون کار میکردند یا یک مشکل مالی اساسی که براشون پیش اومد ، طلاق ویا از شرایط تحت فشار ، موفقیتشون بدست اومد و مثل یک نقطه عطف و دلیل برای تغییر به موفقیت براشون عمل کرد. و از این مورد نتیجه می گیریم که اگه عواملی هم که حتی دست خودمون نیست (و 10 الی 20 درصد وقایع زندگیمون ممکنه اینجوری باشه) میتونه عاملی برای حرکت ما و موفقیت ما بشه و این به طرز نگرش و دیدگاه ما برمیگرده.

دوست من می خوام به یک حقیقت بزرگ در زندگی همه ماها ، اشاره بکنم .

همه ما شرایط و لحظات خوب و بد در زندگیمون داشتیم و داریم . گاهی وقتها در زندگیمون ممکنه به انتهای رنج و مشکلات برسیم و راه دیگه ای برای خودمون ، بجز اینکه از اون وضعیت خودمون رو نجات بدیم ، نیبینیم. البته آستانه تحمل رنج و درد در افراد مختلف با هم فرق میکنه. یک نفر ممکنه با یک جر و بحث با خانوادش و در مورد اینکه بیکار هست و کاری برای خودش انجام نمیده ، به اون آستانه برسه و بخواد برای بقا و زندگیش کاری انجام بده و شروع به حرکت میکنه .

دیگری ممکنه این آستانش در حد از دست دادن همه دارایی و زندگیش باشه و همینطور در افراد مختلف، آستانه و مرز تحمل، تفاوت داره.

نکته ای که می خوام به اون اشاره کنم اینه دوست من که برای تصمیم و انگیزه کافی جهت روشن کردن موتور حرکتت به سمت زندگی بهتر، بین آستانه تحمل تو در کجا قرار داره؟

بین باید چه اتفاقی برای تو بیافته تا حرکت کنی و به سمت جلو بری و زندگی بهتری برای خودت رقم بزنی؟

ووقتی اون آستانه رو پیدا کردی، قبل از اینکه واقعا به اونجا برسی تا حرکت کنی، پشتاز بشو و موتور قدرتمند وجودت رو روشن کن.

یک مطلب مهم دیگه وجود داره و این هست که حالا فرض رو بر این میگیریم که به اون آستانه رسیدی،

به مرز بقا واز بین رفتن

در اونجا چکار میکنی؟

چجوری برای زندگی و بودنت تلاش می کنی؟

آیا غیر اینه که با تمام وجودت، وبا تمام قدرت وامکاناتی که در اون شرایط داری، حرکت می کنی!

داستان سقراط و مرد جوان رو که چند سطر عقب تر گفته شد ، دقت کردی؟

جوان برای رهایی از دست سقراط و نفس کشیدن ، از تمام توان و نیروی خودش استفاده کرد ، تا نجات پیدا کنه.

اون به آستانه بقا و مرگ رسیده بود و دیگه چاره و راه دیگه ای بجز استفاده از آخرین توان و نیروی خودش نداشت.

امیدوارم دوست من ، تونسته باشم مفهوم آستانه تحمل در زندگی رو بخوبی بیان کرده باشم. و اینکه برای موفق شدن باید بررسی کنیم و ببینیم آستانه ما تا کجاست و باید دیگه چه بلایی به سر ما بیاد تا حرکت کنیم و به طرف زندگی بهتر ، سوق داده بشیم.

در اینصورت و با این دیدگاه ، مشکلات میتونه برای ما شکلات باشند و حتی موجب تلنگر و حرکت ما برای زندگی بهتر بشوند و باعث بشن ، ما از روزمرگی و شب و روز رو بدون هدف گذروندن و زندگی رو به بطالت گذروندن ، رها بشیم.

پس ، دوست من در زندگی خودمون اگه دقت کنیم بسیاری از وقایعی که برامون اتفاق میافته و واقعا میبینیم که خودمون در اون اختیاری نداشتیم و یا بشنویم برای کسی اتفاق افتاده و خودش نقشی در اون نداشته ، با گذشت زمان متوجه میشیم اون واقعه ، چه خیری برای اون فرد داشته و حتی موجب پیشرفتش شده.

و از این موضوع یک حقیقت دیگه رو میشه برداشت کرد که در مورد خیلی از ماها شاید صدق کنه:

تلاش فقط تا بقا

بله دوست من ، این یک حقیقت دیگه هست و خیلی از وقتها ، ما در مشکلی سخت گرفتار میشیم که میتونه حتی آستانه تحمل ما رو هم رد کنه و موجب این بشه که حرکت کنیم و تکونی به خودمون بدیم تا از معرکه ، خودمون رو نجات بدیم .

ولی یک نکته بعد از این ماجرا وجود داره و اینه که وقتی از معرکه در رفتیم و نجات پیدا کردیم ، دوباره بشیم همون آدمی که قبلا بودیم.

دوباره همون زندگی و همون رفتار و کارهایی که موجب شده بود این گرفتاریها برامون پیش بیاد.

و دوباره پس از مدتی مشکلات ، حالا شاید به شکلی دیگه خودشون رو نشون میدن و دوباره ما خودمون رو بین بقا و از بین رفتن ببینیم و این چرخه همچنان تکرار بشه.

می خوام یک مثالی بزنم. و در مورد جوانی باشه که می خواد در کنکور قبول بشه.

راهی بغیر از قبول شدن در دانشگاه برای خودش نمیبینه و تمام سرمایه گذاریش در زندگی درس خوندن بوده.

و این شخص یک یا دوبار در آزمون دانشگاه رد شده باشه،

خانواده به اون فشار بیان،

خودش هم برایش خیلی سخت شده و در حالیکه نه کاری داره و نه تونسته جایگاه اجتماعی خودش رو بدست بیاره و نه سرمایه ای داره که بدنبال کار آزاد بره.

میرسه به آستانه تحملش و به جایی میرسه که انگیزه کافی پیدا میکنه تا عزمش رو جزم کنه ، موفق بشه.

اون جوان به مرز و آستانه بقا و حیثیت خودش رسیده ، بنابراین تمام تلاشش رو میکنه و سنگ تمام میگذاره و بالاخره موفق میشه ، و به دانشگاه راه پیدا میکنه.

جوان مثال ما ، پس از این قبولی از اون معرکه و مشکل وارد نشدن به دانشگاه در رفته و تونسته اون رو به خیر و خوشی پشت سر بگذاره ،

ولی با قبولی در دانشگاه ، دوباره به حالت قبلی برگشته ، یعنی دنبال رفیق بازی رفته یا به درس خوندن توجهی نداشته .

ولی با گذشت مدت زمانی میبینه داره خیلی عقب میافته و آگه همینجوری پیش بره مشروط میشه و ...

و دوباره به آستانه تحمل میرسه و تلاش میکنه و بالاخره دانشگاه رو به اتمام میرسونه و

این چرخه در زندگیش ادامه پیدا میکنه و در مورد کار کردن و پیدا کردن کاری برای زندگیش و پیدا کردن همسر و

دوست من حکایت بسیاری از افراد در دنیا همینجوری هست!!

یعنی وقتی به مشکلات حاد برخوردن، نهایت تلاش خودشون رو می کنن ولی همینطور که مشکل برطرف شد، دوباره به خونه اول خودشون برمیگردن.

دوست من ، افراد موفق اینجوری عمل نمی کنن و این انگیزه و اشتیاق و کار کردن برای رسیدن به اهدافشون دائمی هست و با هر چه در توان دارنند به جلو حرکت میکنند.

اگه زندگی بزرگترین افراد موفق رو مطالعه کنی، به این نکته مهم پی میبری که هیچ کدومشون با اینکه میلیاردها پول دارنند و بهترین و زیباترین خانه ها و اتوموبیل ها رو مالک هستن، نمیگن دیگه بسته ،بگذار ازین به بعد استراحت کنم وحالشو ببرم و تفریح کنم. و همشون طوری تلاش میکنن که انگار تازه اول راهشون هست.

و این یعنی تداوم موفقیت .

بنابراین اگه حتی در یک برهه از زمان ، پیشرفتی داشتی و موفقیتی بدست آوردی ،نباید بیخیال بشی و دوباره به همون عادتها و رفتارها وتفکرات قبلت برگردی،چیزیکه ضمیرناخودآگاهت دوست داره،چون به اونها عادت کرده.

پس از همین امروز تصمیم بگیر مسوولیت در قبال خودت رو برعهده بگیری و این ورد زبونت نباشه که اگه فلانی می گذاشت...اگه به اندازه کافی پول داشتم....اگه اونطوری میشد... اگه واگه.... و تا وقتی کسی متعهد نباشه، همیشه این امکان وجود داره که توقف کنه و دیگه ادامه نده و تعهدومسؤولیت کمک خداوند رو هم با خودش به همراه داره.

دوست من تا اینجا به قدرت انگیزه درونی و نقش خود و مسوولیت پذیری در موفقیت خودت، پی بردی و متوجه شدی آگه این موارد در وجودت نباشه و حتی در صورت بودن تداوم نداشته باشه، موفقیت و پیشرفتی هم در کار نیست . و حالا یک سوال اساسی پیش میاد:

آیا کسی که در کمترین حد این خصلت(اشتیاق درونی برای موفقیت و مسوولیت پذیری) باشه، نمیتونه اون رو در وجودش شعله ور کنه؟

دوست من ، آیا برای تو هم پیش اومده که خیلی مواقع خواسته ای رو با تمام وجودت می خواهی ولی اقدامی نمی کنی؟ دوست داری به اهدافت بررسی ولی همچنان در این مرحله باقی موندی؟

اشتیاق داری ، ولی دنبال هدفت نمی ری؟

مطمئنا برای این موضوع هم راه حل وجود داره و با برمودای موفقیت ، به تو دوست خوبم روشها و تکنیکهایی ارائه میشه که به محض انگیزه و اشتیاق درونی اون رو به نتیجه برسونی ، و همچنین انگیزه و آتش درونی برای موفق شدن همیشه در وجودت شعله ور باشه و مثل من که یک برهه چندین ساله در وجودم به سردی و نزدیک به محو شدن پیش رفته بود و سالها از خواسته هام دور شدم و وقتم هدر رفت، دچار نشی.

دوست من یک آگاهی مهم رو می خوام بهت بدم که در کتاب برمودای موفقیت هم

درموردش صحبت شده و انگیزه قوی بهت میده تا از همینجایی که هستی شروع کنی.

انگیزه قوی شروع یک زندگی موفق که دیگه نگی که از من گذشته، نگی که من بارها
امتحان کردم و دیگه ولش کن و مطمئن هستم در مورد من دیگه هیچ روشی جواب
نمیده.

دوست من ، یکی از علت‌های عقب موندن ما شاید این باشه که ما قدر داشته
هامون رو نمی دونیم.

دوست من با یادآوری داشته هامون و هرچیزی که در حال حاضر امتیاز محسوب
میشه، از سلامتی که داریم، یا دست و پای که داریم یا قوه عقلمون و یا خانواده یا
دوستان خوب یا نعمت زندگی و برامون کافیه که انگیزه زندگی بهتر رو
هم داشته باشیم.



دوست من میدونی، چطور میتونیم شادمانی درونی خودمون رو، همین حالا و فوری، بیشتر کنیم، بدون اینکه درآمدمون بیشتر بشه! یا خونمون بزرگتر بشه! و یا ماشینمون شیکتر بشه و یا سلامتی مون بهبود بیشتری پیدا کنه؟

برای دونستن این مهم ابتدا اجازه بدید یک داستان تعریف کنم:

پادشاهی بود که سرزمین بزرگ خودش رو بسیار عالی اداره می کرد و به فکر دوران پیری خودش بود و به این فکر افتاد که ممکنه فرزندانش پس از اون نتونند کشورش رو مثل اون اداره کنند و خیلی زود مانند بسیاری از سلسله های پادشاهی بعد از اون، سلسله آنها هم منقرض بشه.

بنابراین چند نفر از دانشمندان و عالمان کشورش رو جمع میکنه و از اونها می خواد در سرزمینهای مختلف سفر کنند و تمام خرد و دانش زندگی رو تحت یک کتابی در بیارند تا پادشاه اون کتاب رو به فرزندانش بده و اونها با خواندن اون کتاب و عمل به اون، همیشه سرزمینشون رو در بهترین حالت اداره کنند.

این عالمان، سالهای طولانی همه سرزمینها رو گشته و پس از پانزده سال به کشورشون برمیگردند و حاصل تلاششون یک کتاب پانصد صفحه ای میشه. که اون رو بعنوان عصاره خرد و دانش زندگی به پادشاه دادند.

و پادشاه اون کتاب رو به فرزندانش داد تا این کتاب رو حفظ کرده و بخوانند و بیه اون عمل کنند ولی همچنان از اون عالمان خواست که از این کتاب پانصد صفحه ای یک جمله یا مفهوم و عبارتی پیدا کنند که بشه به اون بعنوان یک خلاصه و عصاره اون کتاب پانصد صفحه ای تعبیر کرد که بلافاصله با عمل به

اون زندگی بهبود پیدا کنه و بدون اینکه در زندگی انسان تغییری داده بشه با عمل کردن به اون جمله و عبارت خردمندانه ،اون بتونه زندگی بهتری پیدا کنه.

عالمان دوباره سالها با هم بحث و گفتگو کردند و چندین بار کتاب رو خواندند و تک تک جملات کتاب رو بررسی کردند تا اینکه بعد از چهار سال نزد پادشاه اومدن و گفتند اون جمله رو پیدا کردیم که عصاره و چکیده این کتاب پانصد صفحه ای میتونه باشه و اگه هر کسی به اون عمل کنه ، زندگی در همون حالتی که هست بهتر خواهد شد و احساس عالی پیدا میکنه و فوری و در لحظه به شادمانی درونی دست پیدا میکنه!

پادشاه با هیجان خواست که عبارت رو بگویند.

و گفت همین حالا آزمایش می کنیم. اگه حال ما رو بهتر کرد یعنی حرف شما درسته و اگه نه که کار شما نادرست و تحقیق و بررسی شما درست نیست.

عالمان گفتند:

هر روز در زندگیتان ، یک بار مواهب و نعماتی که از آنها برخوردار

هستید را بیاد آورید و نه کمبودها و نواقص را.

پادشاه معنی این جمله رو خوب درک نکرد و از عالمان خواست که کمی توضیح بدن.

و اونها گفتند که ای پادشاه ، شما هر روز و دائما به کمبودها و نداشته ها و نقصهای خودتون و خانوادتون و کشورتون فکر میکنید ولی به این فکر نمیکنید

که ما سرزمینی با امنیت داریم و با آب فراوان و نعمتهایی که خدا به طور طبیعی
 بما داده. در مورد خودتان نعمتهای سلامتی و داشتن دست و پا و مقامی که دارید
 و قصری که دارید و غذایی که برای خوردن دارید و خانواده ای که دارید و
 نعمتهای بسیار دیگر.

و اگر هر روز نعمتهایی رو که دارید و از اون برخوردار هستید، فقط یکبار و
 فقط تعدادی از اونها رو بیاد بیاورید بدون یادآوردن نواقص و کمبودها، اونوقت
 فوراً احساس بهتری پیدا می کنید.

و پادشاه دید که با یادآوری نعمتهایی که در حال حاضر داره و از اونها برخورداره
 ، احساس بسیار خوب و بهتری داره.

دوست من ما باید از داشته هامون نهایت استفاده و لذت رو ببریم و بوسیله اونچه
 که داریم و احساس خوب و شادمانی و لذتی که از آنها در خودمون بوجود میاریم
 و شکر گذاری از خدا بخاطر آن نعمتها، مواهب الهی رو به سوی خودمون سرازیر
 کنیم.

دوست من ذهن ما مثل جارو برقی عمل میکنه و اونچه رو که در اون قرار بدیم و
 مدام بهش فکر کنیم به سمت ما جذب میکنه.

پس شکر گذاری و یادآوری مواهب خوبی که داریم و احساس خوش و خوب ،
 همیشه بهترینها رو به سوی ما جذب کرده و حتی نعمتهای بیشتری نصیب ما

میشه و برعکس تفکر در مورد نداشتن ها و احساسات منفی و ظلمهایی که در حق ما شده و.... همونها رو به سمت ما میاره.

دوست من پس در بخش اول برمودای موفقیت همین که ما بتونیم این انگیزه درونی و شور و شوق رسیدن به اهداف و خواسته ها رو در خودمون بوجود بیاریم، دیگه براحتی از تلاش برای رسیدن به زندگی بهتر دست برنمیداریم و در برمودای موفقیت کورسویی از انگیزه باعث موفقیت و رسیدن به اهداف میشه.

با من همراه باش با برمودای موفقیت.

بخش دوم

آگاهی و دانش



دومین ضلع مثلث موفقیت آگاهی و دانش جهت رسیدن به خواسته ها و موفقیت پایدار هست. نقش دانستن غیرقابل انکار هست و برای موفق شدن باید دانش بیشتری داشته باشید. تو دوست خوب من اگه متعهد باشی هفته ای یک کتاب مفید و انتخاب شده به صورت هوشمندانه ، مطالعه کنی من موفقیت تو رو تضمین می کنم. با مطالعه روزانه یک ساعت تو دوست خوبم میتونی تقریبا مطالعه یک کتاب در هفته رو به اتمام برسونی و در بحث آگاهی و دانش یک نکته بسیار بسیار مهم وجود داره که اغلب افراد فقط به مطالعه محض بسنده می کنند.

راز و کلید مشاهده عینی و ملموس هر چه می دانیم و هر چه می خوانیم در زندگیمان،

چیست؟

عمل کردن به دانسته هامون چطوری بوجود میاد؟

آیا تابحال درباره این موضوع فکر کردین که چرا بسیاری از افراد در اون چیزی که میدونند عمل نمی کنند؟

آیا تابحال به این نکته دقت کردید که چرا با اینکه آگه کتاب زیاد خوندین تأثیری در زندگیتون نداشته ویا اون جوری که انتظارشو داشتین ، نبوده و براتون راضی کننده نبوده؟
بله راز عمل کردن به دانسته ها و آگاهیهای ما تفکر هست.

دوست خوبم می خوام یک نکته مهم دراین مورد بگم واینه که مطالعه ای که فقط خوندن باشه و تفکری توش در کار نباشه نمی تونه اون کارآمدی رو برای ما داشته باشه.

آیا می خوام کار سختی انجام بدی؟

نه، دوست من تو فقط با اندکی تفکر می تونی این مهم رو به انجام برسونی واینجاست که یادحدیثی از پیامبرعظیم عزیزمان (صلی الله علیه وآله) می افتم که فرمودند: یک ساعت تفکر برابر با هفتادسال عبادت هست.

واقعا بعضی مفاهیم به تنهایی میتوند غوغایی به پا کنند و تحول بزرگی ایجاد کنند و شرط اون هم تفکر هست.

دوست من ازت می خوام روزی چند دقیقه در برنامه روزانه خودت تفکر رو قرار بدی و تاثیرات شگفت انگیز اون رو درپیشرفت وزندگی عالی ببینی.

بسیاری از مشکلات ما در زندگیمون ناشی از عدم رعایت همین نکته هست. زن و مردی که تفکر کنند با زخم زبونهایشون همدیگر رو آزار نمی دن. مدیری که تفکر داشته باشه، با کارمندهاش رفتار خوبی خواهد داشت و کارمند و کارگری که تفکر داشته باشه روز بروز خودشو به مراتب بالاتر میرسونه و البته تفکری که با آگاهی ودانش همراه باشه. ما نباید اسیر روزمرگی بشیم وآنطور در زندگی غرق بشیم که اصلا ندونیم چطور داریم زندگیمون رو گذران می کنیم و راه حل اون تفکر هست.

این دیگه کار و جودی خودمونه و دست خودمونه و هیچ کسی رو بزور نمیشه وادار به کاری کرد.

تفکر با خودش هزاران منفعت وارد زندگیمون میکنه.

اندیشیدن، همیشه انسان را به سوی خوش بینی می کشاند و خوش بینی، برابر با

خودسازی و دگرگونی است. (استیو چندلر))

بنابراین در این بخش (آگاهی ودانش) این نکات رو تا اینجا بررسی کردیم که:

دومین ضلع برمودای موفقیت دانستن وآگاهی هست.

ما برای پیشرفت و موفقیت به آگاهی و دانش نیاز داریم ولی آگاهی و دانش به تنهایی کافی نیست.

از طریق تفکر در آنچه خواندیم و یاد گرفتیم می توانیم آگاهی و دانش خود را تکمیل کنیم تا به عمل برسیم.

راز عمل کردن به دانسته ها و آگاهیهای ما، تفکر هست.

تفکر هم به تعهدی درونی نیاز دارد تا همواره در زندگیمان جاری باشد.

دوست من ، چه آگاهیهایی برای موفقیت لازم هست؟

از میان این همه اطلاعات و دانش که ارائه میشه ، ما کدام رو انتخاب کنیم؟ چه مسیری رو بریم تا نتیجه بگیریم؟

دوست من در ادامه این بخش از کتاب به فرمولها و آگاهیهای لازم برای موفقیت اشاره می کنم. نکات بسیار مهم و کاربردی که ضمیر آگاه ما برای موفقیت به دانستن اونها احتیاج داره ، نکات طلایی و بسیار کاربردی که اگه کتابهای مختلف روانشناسی رو مطالعه کنید همه نویسندگان اونها اون نکات و اصول طلایی رو هر کدام به زبان خاص خودشون مطرح میکنند و موفقیت رو ناشی از رعایت اون نکات بخصوص میدوند و سعی کردم بطور جامع تو رو از اون اصول و نکات طلایی آگاه کنم ولی از تو دوست خوبم می خوام که حتما پس از هر مطالعه ای که داشتی راجع به اون چیزی که خوندی تفکر کنی و تا درک کاملی ازش پیدا نکردی از اون عبور نکنی چون تفکر هست که موجب عمل میشه و داشتن آگاهی کافی نیست و آنچه ما رو به هدف می رسونه، عمل کردن هست.

دوست من ، در ادامه ضلع نهایی برمودای موفقیت رو باهم بررسی می کنیم .

ضلع سوم برمودای موفقیت

برنامه ریزی ذهن



آنها که نمی توانند فکر و ذهن خود را تغییر دهند، هرگز قادر به تغییر چیزی نخواهند بود.

جرج برنارد شاو

رسیدن به توانایی از طریق دانایی

دانش و آگاهی، زمانی می تونه در زندگی ما تغییری مثبت و محسوس ایجاد کنه که به

مهارت تبدیل شده باشه ،

جایگاه مهارت در ذهن ناخودآگاه هست و دانش در ذهن خودآگاه ، و در سطح خودآگاه ما با محدودیت زمان و توان مواجه هستیم.

دو ویژگی "موفقیت" و "شادزندی کردن" اگه در سطح خودآگاه باقی بموند ، کارایی چندانی ندارن چونکه زمان و توان کافی برای رسیدگی به آنها نداریم. اما اگر به مهارت تبدیل بشن ، ذهن ناخودآگاه ، مسئول اجرای اونها میشه و پس از اونه که به زندگی موفق و شاد خواهیم داشت.

پس دو گام در پیش داریم:

یادگیری دانش موفقیت

تبدیل این دانش به مهارت (بکارگیری)

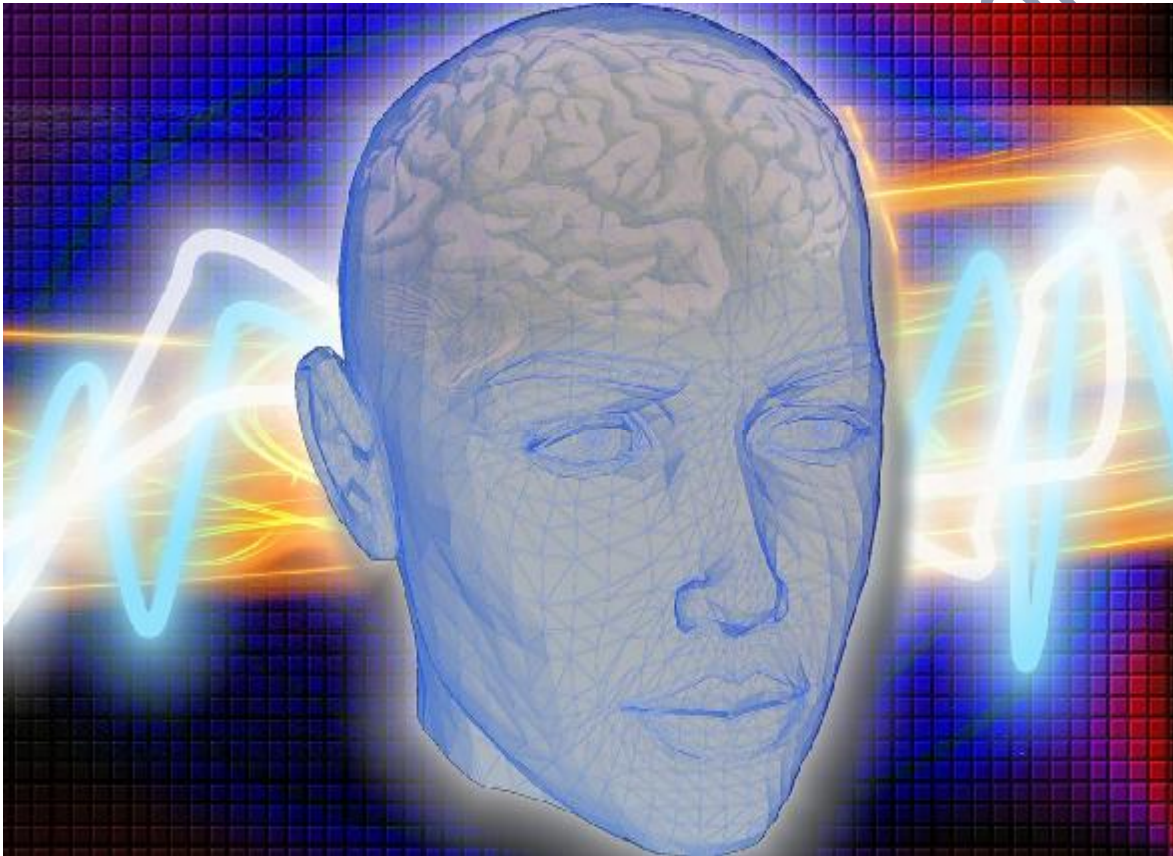
در این بخش تمام سعی من اینه که تو دوست خوب من با قدرت ذهن و ضمیر ناخودآگاه خودت آشنا بشی و واگه آشنا هستی با روشهای بسیار کاربردی و تضمین شده و جواب داده شده اون رو در کنترل و تسخیر خودت در بیاری و به همراه اشتیاق درونی برای موفقیت و رسیدن به خواسته ها و همچنین دانش و آگاهی موفقیت ، مثلث موفقیت خودت رو تکمیل کنی تا در موفقیت غرق بشی. و درحقیقت این بخش راز اصلی و قدرتمند و تکمیل کننده تغییر و تحول بنیادی و اساسی در زندگی من بوده و ایمان دارم و ایمان دارم که در صورت عمل به آنچه در این بخش خدمت تو دوست خوب من ارائه میشه ، که استفاده از تکنیکهای پر قدرت استارت پایه و حرکت سریع و مقصدآسان که در این بخش به اونها پرداخته میشه، این احساس خوب موفقیت و رسیدن به خواسته ها و قرار گرفتن در مسیر رشد و پیشرفت و ترقی ، بدون توقف، در تو هم بوجود آمده است.

ذهن ما شبیه به کامپیوتر هست که همانند اون برنامه های مشخصی روی اون هست و این برنامه ها در طی سالیان زندگی ما به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه بر روی مغز ما نصب شده است و منجر به اعمال و رفتارهای مربوط به همان برنامه در زندگی ما میشه. بنابراین آگاه بخوایم رفتاری رو تغییر بدیم بایستی برنامه لازم رو داشته و ذهن خودمون رو به اون عادت بدیم. و روانشناسان معتقدند تقریباً تمام مشکلات ما از برنامه های منفی هست که در ضمیر ناخودآگاه ما قرار داره. در ابتدای شناخت مغز دانشمندان کار اون رو بسیار پیچیده تصور می کردند ولی حالا متوجه شدند مغز انسان بر اساس چند اصل بسیار ساده مکانیکی عمل میکنه!!

آنچه که ما در این بخش بررسی میکنیم راجع به ضمیر آگاه و ناخودآگاه ماست. ما با این دو ضمیر جهان اطراف خومون رو درک می کنیم. ضمیر خودآگاه ما همونی هست که با اون در طول روز فکر میکنیم و میشه گفت همون صداییه که با خودمون، در درونمون حرف میزنیم و اون رو، خودمون میدونیم. ضمیر خودآگاه با اینکه خیلی مهم هست ولی تواناییهاش محدود هست و این یعنی اینکه ما در یک لحظه نمی تونیم بیشتر از چند فکر رو با هم داشته باشیم و من اون رو در مثلث موفقیت در قسمت آگاهی و دانش قرار دادم و ما چه اطلاعات و دانش کسب کنیم و یا دنبالش نریم همواره از جهان اطرافمون درک و شناختی با استفاده از اطلاعات زندگیمون بدست می آریم و با استفاده از اون درک و شناخت و اطلاعات، زندگیمون رو شکل میدیم که مستقیماً ضمیر ناخودآگاه ما رو برنامه ریزی میکنه. و در مورد ضمیر ناخودآگاه بخاطر کنترلی که به صورت خودبخود و

بدون آگاهی مستقیم ما بر قسمت اعظم زندگی ما داره ، از اهمیت بسیار بالایی برخورداره.

ضمیر ناخود آگاه



مرکز فرماندهی ذهن ما رو در دست داره و در یک لحظه میتونه میلیونها پیام اطلاعاتی وحسی رو بررسی کنه. مرکز نصب برنامه های رفتاری ماست و رفتار ما رو هدایت میکنه. این ضمیر به ما این امکان رو میده که بدون اینکه روی یک کار تمرکز کنیم چندین کار رو با هم انجام بدیم.

نحوه برنامه ریزی ضمیرناخودآگاه اینجوریه که به تدریج که کاری رو با استفاده از ضمیرآگاه خودمون یاد می گیریم و در اون کار مهارت پیدا می کنیم از اون به بعد بدون تمرکز و بصورت خودکار برامون اون کار رو انجام میده.

بعنوان مثال مهارت رانندگی رو آگه در نظر بگیریم در ابتدا ما با استفاده از ضمیر آگاه خودمون و با تمرین و تکرار کل عملیات لازم برای رانندگی رو از روشن کردن ماشین و چک کردن وضعیت ماشین و قراردادن ماشین در دنده ، همزمان با گرفتن کلاج ، گاز دادن ماشین ، ترمز گرفتن و..... یاد می گیریم و پس از تسلط بر اون دیگه سکان کار دست ضمیر ناخودآگاه ما قرار میگیره و تمام این کارها رو بصورت خودکار و اتوماتیک انجام می دیم. همین نعمت عظیم خدادادی هست که انجام بسیاری از کارها رو برامون آسون میکنه. ولی بعضی مواقع لازم هست که بعضی برنامه های ضمیرناخودآگاهمون رو تغییر بدیم، اصلاح کنیم یا بطور کامل از ذهنمون حذف کنیم.

خیلی از این برنامه ها که در ضمیرناخودآگاه ما وجود داره و بصورت عادت درآمده و بصورت خودکار اجرا میشه ناشی از تلقین ها و اطلاعاتی هست که بطور تصادفی وارد اون شده و در زمان پذیرش هم هیچ خاصیتی نداشته.

مثلا به بچه ای که همش به اون گفته بشه تو بی استعدادی ، در بزرگسالی هم این تلقین ممکنه در اون وجود داشته باشه و مانع موفقیتش بشه.

خبر خوب اینه که این گونه عاداتها به آسونی تغییر پذیر هستند.

و ما می تونیم با برنامه ریزی ذهن ناخودآگاهمون با تکنیکهایی بسیار ساده و آسون و کاربردی مثل تکنیک استارت پایه ویا تکنیک حرکت سریع و یا تکنیک بسیار موثر مقصدآسان ، که شاید در روز از 5 تا 25 دقیقه هم وقت ما رو نگیره و اون هم در مدت بسیار محدود که 20 تا 30 روز هست و البته در افراد مختلف کمی تفاوت داره ، ضمیر ناخودآگاهمون رو برنامه ریزی کنیم و با این برنامه ریزی باورهامون عوض میشن و حالا میتونیم شاهد باشیم که چطور دنیای ما عوض میشه و براحتی به خواسته ها و آرزوهامون میرسیم. و این واقعیت داره و نه دربارہ خیال پردازی صحبت می کنم و نه دربارہ امری محال صحبت می کنم.

با استفاده از فرمول برمودای موفقیت ، زندگی بهتر رو به خودت هدیه بده.

برمودای موفقیت ، ابزاری در دست تو و راه حلی جامع برای زندگی بهتر و موفقیت توست.

دوست من ، مطالب مطرح شده در این فایل متنی بخشی از کتاب کامل سیستم برمودای موفقیت هست که اگه خواهان اطلاعات بیشتر در زمینه تکنیک و سیستم برمودای موفقیت هستی و دوست داری به طور عملی ، با استفاده از این تکنیک و روشهای اجرای اون در هر بخش ، آشنا بشی ، میتونی به این آدرس

WWW.Ahanrobayezehn.com

مراجعه کنی .

و همچنین برای دانلود رایگان فایل صوتی مربوط به برمودای موفقیت میتونی ، از طریق سایت آهن ربای ذهن اقدام کنی و با عضویت در سایت به راحتی و فوری اون رو دریافت کنی.

<http://WWW.Ahanrobayezehn.com>

برمودای موفقیت

برمودای موفقیت سیستم و روشیه که از جدیدترین یافته های علمی استفاده کرده تا بتونه

یک فرد رو به بالاترین بهره وری و موفقیت برسونه.

شما با مطالعه این دانش و بررسی تکنیک برمودای موفقیت متوجه میشین که در برمودای

موفقیت کاملاً قوانین موفقیت، رعایت شده .

و در برمودای موفقیت سعی شده به صورت جامع تکنیک هایی ارائه بشه که افراد بتونند

خلاقیت و تسلط بر خود و خودشکوفایی و نبوغ ، خودشناسی ، خداشناسی و به

پیروزی و سعادت نهایی برسند.

و در برمودای موفقیت از دانش ارتباطات، سایکوسایبرنتیک (علم کنترل مغز)، تصاویر

ذهنی،

بهره وری، خودخلسه ارادی و... استفاده شده و نگاه همه جانبه ای به تمام ابعاد وجودی

انسان و تواناییهای بالقوه اون داره .

برمودای موفقیت فن و روشی هست که به ساختار ذهن افراد مربوط میشه و میدونیم که

موفقیت و خلاقیت ساخته فکر و ذهن ماست.

برمودای موفقیت بما کمک میکنه در کمترین زمان ممکن به روشهای رسیدن به خواسته

هامون و نتایج دلخواهون برسیم.

از هدفهای دیگه این علم و فن، روحیه قوی، رهاشدن از خاطرات بد، انجام دادن کارها

بنحو درست، حال خوب و تغییر عادت های نامطلوب به خوب و همچنین آشنایی بهتر با

کائنات و نیروی اون هست. برمودای موفقیت معتقد به اینه که میشه مغز رو هم مثل

کامپیوتر برنامه ریزی کرد.

افرادی که با این علم آشنا بشوند، متوجه میشن که چیزی بنام شکست وجود نداره و هر

لحظه رو باید فرصتی برای یادگیری و افزودن تجارب زندگی در نظر گرفت.

این علم یک ابزار موفقیت هست که در هر جایی می تونه کاربرد داشته باشه و تک تک افراد می تونند با این استفاده از این علم یک زندگی زیبا ، دلنشین و سراسر لذت را برای خودشون طراحی کنند.

این علم بسیار مهیج و در عین حال ساده هست و فنونش این امکان رو به ما می ده که میزان بهره وری شخصی رو به طرز عجیبی بالا ببریم و در حالیکه بدنبال اهداف خود هستیم از زندگی نهایت لذت را ببریم.

گاردنر می گوید :

انسان تا حصار اطراف خود را خراب نکند ، نمی داند که زندانی بوده است

اندیشه های بزرگ ، مردان و زنان بزرگ رو بوجود می آره ، پس تو دوست خوب من هم سعی کن بزرگ فکر کنی . اگر می بینی که نمی تونی خودت رو در عالی ترین و شگفت انگیزترین موقعیت های ممکن تصور کنی و یا اندیشه هایی از این دست به سرت می آد که : من هرگز نمی تونم صاحب اون چیز بشم یا اون رویداد نمی تونه برای من پیش بیاد، شاید لازم باشه که به تصویریکه از خودت در ذهن داری ، نگاه کنی، تصویریکه از خودت داری ، یعنی شیوه نگرش و احساسی که به خودت داری . این تصویر معمولاً پیچیده و چند جانبه هست . برای دونستن کامل از همه جنبه های اون در ساعات مختلف روز و در اوضاع و شرایط گوناگون ، از خودت بپرس : اکنون و حالا چه احساسی نسبت به خودم دارم ؟ و به تصاویر یا اندیشه هایی که به ذهنت خطور می کنه توجه کن.

باید سعی کنی که اون حالت عطش، خواستن و آمادگی پذیرش را در خودت بوجود بیاری . در این صورت قادری که نیروهای عظیم درونی خودت رو در راه رسیدن به هدف فعال کنی.

ادیسون می گه :

اگر انسان از توانایی های خود اطلاع داشت ، جدا شگفت زده می شد
ما باید بتونیم حالت پذیرش رو در ناخودآگاه خودمون بوجود آورده و اون رو حفظ کنیم تا پایدار بمونه .

انسان دارای دو ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه هست .

ضمیر خودآگاه کارهای روزمره ما را انجام می ده.

ضمیر ناخودآگاه کارهایی رو انجام می ده که احتیاج به تصمیم گیری ما نداره . این ضمیر بسیار قوی هست و کارهای مشکل رو انجام می ده.

اگه توانایی انسان رو به دیواری در تاریکی به طول و عرض ۱۰ متر تشبیه کنیم و بعد با چراغ دستی کوچیکی به این دیوار نور بتابونیم ، تنها نقطه ای از اون دیوار قابل دیدنه . قسمت روشن رو می تونیم ضمیر خودآگاه و فضای وسیع و تاریک رو ضمیر ناخودآگاه انسان بگیم.

دوست من : هدفت رو مشخص کن تا بدونی به کدوم طرف باید حرکت کنی.

در برمودای موفقیت ، می خواهیم ببینیم چطور می تونیم از قدرت ضمیر ناخودآگاه استفاده کنیم؟

دوست من برمودای موفقیت سیستم و روشی هست بسوی موفقیت با ساده ترین روش و راهکار.

دوست من در پایان این نکته رو یادآور بشم که مهم نیست چه کسی هستیم و در کجا و در چه شرایطی زندگی میکنیم ، بلکه این مهمه که برای زندگی بهتر از هیچ تلاشی دریغ نکنیم و لحظات ارزشمند زندگی رو با لذت و خوشی و رسیدن به خواسته هامون سپری کنیم.

همه ما برای زندگی و تجربیاتمون از اون مسوول هستیم و افکار ما هستند که آینده ما رو میسازند.

دوست من مطمئن باش برای داشتن زندگی بهتر و عالی ، لیاقت و شایستگی رو داری و تو منحصر بفردی.

دوست من بزرگترین قدرت در زندگی ، قدرت در لحظه زندگی کردن هست و نقطه اوج زندگی اونجاییه که تو ایستادی. همه چیز خوب و زیباست و همین لحظه حال و اکنون ، بزرگترین شانس تو برای پیروزی هست.

در این مسیر اگه بنده حقیر رو قابل میدونی ، از طریق وب سایت [آهن ربای ذهن دات کام](http://www.ahnrohayezehn.com) با من در تماس باش.

چند دعای زیبا

خدایا!

من در انتظار خیر و صلاح های غیر منتظره ام که هم اکنون از جانب تو برای من از راه های عالی انجام خواهد شد. آمین

خدایا!

به من قدرتی بده تا تغییر دهم آنچه را که می توانم تغییر بدهم! و شهامتی، تا بپذیرم آنچه را که نمی توانم تغییر بدهم! و دانایی و بینشی تا فرق این دو را بدانم. آمین

خدایا!

به نام نامی تو، جسم و روحم را آماده ی پذیرش بهترین هایی میکنم که تو برایم خواسته ای! آمین

خدایا!

همه ی بارها را به تو می سپارم تا در تاریکی ها، سحری را که از راه می رسد، ببینم! یاریم کن! آمین

خدایا!

امیدم به مکاشفه و الهام است! از طریق شهودم ، توانگری فراوان را روزیم کن!

آمین!

خدایا!

کمکمان کن تا با ذهنی زیبا و پویا در راه رسیدن به تو گام برداریم! آمین!

خدایا!

یاریمان کن تا باور کنیم فرستادگان تو در روی زمینیم! آمین!

خدایا!

توانگری راستینی همراه با آگاهی واقعی نصیبمان کن! آمین!

خدایا!

من در انتظار غیر منتظره های اعجاب انگیز تو هستم! اینک زمان

من است! با بازوی بلند قدرت خود ، آرزوهایم را برآورده کن!

آمین!



ضمناً دوره 20 قسمتی موفقیت نامحدود از دیدگاه آنتونی رابینز در دست تهیه هست که میتونی با عضویت در [سایت آهن ربای ذهن](#) و با دادن آدرس ایمیل خودت در لیست قرار بگیری و از این دوره ارزشمند استفاده ببری .

منتظر تو دوست خوبم هستم.

با آرزوی ثروت و شادی و موفقیت بی پایان برای تو دوست خوبم.

علیرضا علی زاده

آهن ربای ذهن دات کام